

مطالعه مقایسه‌ای وضعیت واقعی و آرمانی رفاه اجتماعی روستاییان و شهرنشینان (مطالعه موردی: شهرستان ازنا)

کبری شهریسوند^۱، دکتر محمد حسین اسدی داودآبادی^۲
دکتر امید علی احمدی^۳، دکتر علی روشنایی^۴

تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۸/۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۵

چکیده:

شکاف بین واقعیت و آرمان یا وضع موجود و مطلوب رفاه اجتماعی یکی از دل‌مشغولی‌های علمی علوم اجتماعی در چند دهه اخیر بوده است. مقایسه بین این دو وضعیت در مناطق شهری و روستایی می‌تواند زوایای جدیدی از این مسئله را آشکار کند. بر این اساس، هدف این پژوهش مطالعه مقایسه‌ای وضعیت واقعی و آرمانی رفاه اجتماعی روستاییان و شهرنشینان شهرستان ازنا می‌باشد که با روش پیمایشی انجام گرفت. جامعه آماری این پژوهش شامل کل شهروندان شهرستان ازنا است که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ برابر با ۷۱۵۸۶ نفر بوده است. حجم نمونه با استفاده از جدول لین ۳۸۴ نفر به‌دست آمد که با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که رفاه واقعی ساکنان مناطق شهری و روستایی متفاوت است. در این راستا گروه‌های سنی ($Beta = 0/387$) برای رفاه واقعی در مقایسه با مقدار آن برای رفاه آرمانی ($Beta = 0/431$) بالاتر است. همچنین این نتیجه برای وضعیت تأهل به ترتیب برابر ($Beta = 0/325$) و ($Beta = 0/389$): برای سیاست‌های رفاهی برابر ($Beta = 0/373$) و ($Beta = 0/373$): برای مصرف فرهنگی و رسانه‌ای برابر ($Beta = 0/404$) و ($Beta = 0/539$): برای دینداری برابر ($Beta = 0/243$) و ($Beta = 0/393$) می‌باشد. استنباط می‌شود که رفاه واقعی و آرمانی ساکنان مناطق شهری و روستایی متفاوت است. به این معنا رفاه واقعی و آرمانی برای ساکنان روستایی نسبت به سطح رفاه در محیط‌های شهری هم در بُعد واقعی و هم آرمانی پایین‌تر است؛ این وضعیت می‌تواند ناشی از سطح پایین انتظارات روستاییان نسبت به ساکنان شهری باشد.

مفاهیم کلیدی: رفاه اجتماعی، رفاه آرمانی، رفاه واقعی، شهرستان ازنا

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه، واحد آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی، آشتیان، ایران shahhadis589@gmail.com

^۲ استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی، آشتیان، ایران (نویسنده مسئول) assadi2001ir@yahoo.com

^۳ استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی، آشتیان، ایران omidaliahmadi@aiau.ac.ir

^۴ استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی، آشتیان، ایران roshanaei@aiau.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

در چند دهه اخیر مفهوم رفاه اجتماعی بسیار دگرگون شده است. یکی از این تغییرات، چرخش گفتمان رفاه از «گفتمان مادی» به «گفتمان عینی - ذهنی» است. به این معنا که قبل از دهه ۱۹۷۰ با غلبه دیدگاه «گفتمان مادی» تنها مقولات سنجش‌پذیر مادی در تابع رفاه اجتماعی وارد می‌شدند؛ اما در دهه‌های بعدی محققان دریافتند که استفاده از شاخص‌های عینی به‌عنوان شاخص اندازه‌گیری رفاه خام و ناتمام است. به‌طوری که در دهه ۱۹۸۰، رفاه به‌صورت مجموعه‌ای از اقدامات و خدمات گوناگون عمومی برای غلبه بر مشکلات اجتماعی تفسیر شد و در دهه ۱۹۹۰ رفاه اجتماعی به مجموعه شرایطی گفته شد که در آن خشنودی انسان به‌عنوان مقوله‌ای ذهنی مطرح باشد. امروزه رفاه را به‌عنوان مقوله‌ای «عینی - ذهنی» تعریف می‌شود. این ترکیب، بینش بهتری از رابطه بین توانایی‌های افراد و انتخاب‌ها یا رفتار آن‌ها ارائه می‌دهد. در واقع، رفاه نه تنها به شرایط عینی مطلوب مانند مسکن راحت، یک محیط سالم، شرایط کاری خوب، فرصت‌های آموزشی و دسترسی به خدمات عمومی بستگی دارد بلکه شامل احساسات ذهنی رفاه و رضایت از زندگی نیز می‌شود (Makaro, 1999:10).

تعریف رفاه عینی همیشه به‌عنوان یک کار چالش‌برانگیز در نظر گرفته شده است و از این‌رو محققان به جای تعریف آن، بر بررسی ابعاد آن تمرکز کرده‌اند (Dodge & et. al, 2012; Alkire, 2002). به دلیل ماهیت عینی آن، برخی ادعا می‌کنند که رفاه عینی را می‌توان بر اساس تولید ناخالص داخلی سنجید. با این حال، رفاه عینی باید هم شرایط زندگی مادی مردم و هم کیفیت زندگی آن‌ها را منعکس کند. سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) و برنامه توسعه ملل متحد (UNDP) شش بُعد اصلی را برای سنجش رفاه عینی شناسایی کرده‌اند: سلامت، فرصت‌های شغلی، توسعه اجتماعی - اقتصادی، محیط زیست، ایمنی و سیاست (Voukelatou & et. al, 2021: 280). همه این ابعاد با هم نشان‌دهنده رفاه عینی است که از طریق میزان ارضای این «نیازها» ارزیابی می‌شود. در سال ۲۰۱۳، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه اهمیت در نظر گرفتن رفاه درک شده افراد را که به‌عنوان رفاه ذهنی شناخته می‌شود، مورد شناسایی قرار داد. رفاه ذهنی که شادی نیز نامیده می‌شود، توسط Veenhoven, 1984 به‌عنوان درجه‌ای که فرد کیفیت کلی زندگی خود را به‌عنوان یک کل مطلوب ارزیابی می‌کند، تعریف شده است؛ بنابراین، بهزیستی ذهنی به‌طور سنتی از طریق مطالعات مبتنی بر داده‌های جمع‌آوری شده توسط گزارش‌های شخصی به‌دست می‌آید. این مطالعات پنج بُعد اصلی رفاه ذهنی را برجسته می‌کنند: نقش ژن‌های انسانی که به نظر

می‌رسد نسبتاً قابل وراثت باشد (Bartels & Boomsma, 2009; Nes & Røysamb, 2015; Pleeging & et. al., 2021)، نیازهای جهانی یعنی نیازهای اساسی و روانی (Kenrick & et. al, 2010; Tay & Diener, 2011). محیط اجتماعی مانند آموزش و بهداشت (Powdthavee, 2010; Nikolaev, 2015)، محیط اقتصادی از جمله درآمد (Diener & et. al. 2013; Veenhoven & Vergunst, 2014) و محیط سیاسی، مانند دموکراسی و آزادی سیاسی (Veenhoven, 2015; Radcliff & Shufeldt, 2016)، بنابراین می‌توان گفت رویکرد عینی ابعاد عینی و واقعی یک زندگی خوب را بررسی می‌کند، در حالی که رویکرد ذهنی ارزیابی ذهنی افراد از زندگی خود را بررسی می‌کند که ممکن است تا حدودی آرمانی باشد.

در این میان افراد به فراخور برخورداری از امکانات و شرایط جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند شاهد نوعی شکاف در وضعیت واقعی و آرمانی رفاه اجتماعی خود می‌باشند. میزان این شکاف می‌تواند بر حسب شرایط و ویژگی‌های فردی، جمعیت‌شناختی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی از جامعه‌ای به جامعه دیگر، متفاوت باشد. حوادث طبیعی مانند سیل، زلزله، بیماری‌ها، بحران‌های اقتصادی و سیاسی ادواری، قدرت‌های خارجی منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای و ... نیز می‌تواند در بروز و تشدید این شکاف مؤثر باشد و مفهوم رفاه اجتماعی را دستخوش تغییر و دگرگونی قرار دهد.

در ایران نیز تغییر مفهوم رفاه اجتماعی متأثر از تغییرات اجتماعی و اقتصادی به‌ویژه شیوع بیماری کرونا و اعمال تحریم‌های شدید اقتصادی غرب و اثرات آن از جمله رکود اقتصادی، تورم و بیکاری موجب شده است مؤلفه‌های رفاه اجتماعی در جامعه تغییر یابد و به‌ویژه با تغییر خط فقر، بسیاری از طبقات متوسط اجتماعی به زیر خط فقر سقوط کنند. به یقین این تحولات، علاوه بر آثار مستقیم معیشتی باعث دگرگونی آرمان‌های رفاهی و بر ساخت رفاه اجتماعی شده و شکاف بین این آرمان‌ها را با واقعیت افزایش داده است. با توجه به چنین پیش‌فرض‌هایی هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تطبیقی وضعیت واقعی و آرمانی رفاه اجتماعی بین روستاییان و شهرنشینان شهرستان ازنا می‌باشد.

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

در ارتباط با موضوع مقاله حاضر، مطالعاتی صورت گرفته که هر کدام بر برخی از متغیرهای مورد بررسی پرداخته‌اند بنابراین مرور کلی بر آن‌ها می‌تواند بر غنای مطالعه حاضر بیفزایند.

مؤمنی و نوروزی شیخ‌لر (۱۴۰۱)، در پژوهشی نشان دادند بین سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی همبستگی قوی وجود دارد به این معنا که با افزایش و تقویت سرمایه اجتماعی، سطح رفاه اجتماعی مناطق روستایی نیز افزایش پیدا خواهد کرد.

کاوه و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «مقایسه رفاه ذهنی ساکنان متن و حاشیه کلان‌شهر مشهد و عوامل مؤثر بر آن» نشان دادند سطح رفاه ذهنی حاشیه‌نشینان مشهد کمتر از ساکنان این کلان‌شهر است. رضایت نسبی مالی افراد، جنسیت، برخورداری از تحصیلات دانشگاهی و سطح بالاتر عواطف مثبت، میزان باورهای مذهبی فقط در نمونه شهرنشینان و جنسیت، تأهل و مالکیت خانه در بین حاشیه‌نشینان از عوامل مهم و اثرگذار بر رفاه ذهنی هستند.

ذکایی و مروتی (۱۳۹۸)، در پژوهشی نشان دادند که بین متغیرهای وضعیت قومی و دین‌داری رابطه معناداری با میزان انطباق رفاه عینی و ذهنی وجود دارد و بین متغیرهای تحصیلات و احساس آزادی با این انطباق رابطه معناداری تأیید نگردید.

عباسی راینی و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی نشان دادند که سرمایه اجتماعی، امنیت اجتماعی، فقر، بی‌عدالتی، بیکاری و حتی تفاوت‌های جنسیتی از عوامل مختلف تأثیرگذار بر سلامت و رفاه اجتماعی هستند.

صفری شالی و مهدی‌زاده اردکانی (۱۳۹۶)، در پژوهشی نشان دادند که متغیرهای احساس امنیت، رضایت از زندگی، دین‌داری و احساس عدالت بر احساس برخورداری از رفاه اجتماعی تأثیر مثبت دارند.

ب) تحقیقات خارجی

Wu (2023) در پژوهشی نشان داد که سرمایه اجتماعی می‌تواند رفاه ذهنی افراد را افزایش دهد؛ همچنین عضویت نسلی ممکن است تا حدی روابط بین استفاده از فیس‌بوک و سرمایه اجتماعی و رابطه غیر مستقیم بین استفاده از فیس‌بوک و رفاه ذهنی را تعدیل کند.

Adji (2021) در پژوهشی با عنوان «نقش نهادهای مذهبی در ارتقاء رفاه اجتماعی در اندونزی» نشان داد که دین در ارتقای رفاه اجتماعی از طریق آموزه‌ها و نهادهای خود در دو سطح معنوی و عملی عمل می‌کند.

Chan (2015) در پژوهشی نشان داد مصرف رسانه‌ای از جمله ارتباط صوتی و آنلاین با تلفن همراه به‌طور مثبتی با شاخص‌های مختلف رفاه ذهنی رابطه معنادار دارند. علاوه بر این، سرمایه اجتماعی و فرهنگی با رفاه ذهنی نیز رابطه مثبت دارند.

Kim (2003) در پژوهشی با عنوان «تأثیرات مذهبی بر رفاه فردی و اجتماعی» نشان داد که کره‌ای‌های با ایمان مذهبی عموماً با توجه به شاخص‌های کیفیت زندگی مانند سطح درآمد، روابط بین فردی، رضایت شغلی، زندگی زناشویی و سلامت، سطح رضایت بیشتری نسبت به افراد بدون ایمان مذهبی دارند. در میان کسانی که مذهبی تلقی می‌شوند، پروتستان‌ها بیشترین رضایت را از زندگی دارند و پس از آن کاتولیک‌ها و بودائی‌ها قرار دارند. همچنین افراد با اعتقادات مذهبی قوی و کسانی که به طور مکرر در فعالیت‌های مذهبی شرکت می‌کنند، نسبت به افرادی که اعتقاد و تعهد مذهبی کمتری دارند، از زندگی رضایت بیشتری دارند. به‌طور کلی نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که باورها و اعمال مذهبی در زندگی افراد اهمیت زیادی دارند؛ منابع مذهبی می‌تواند به افراد کمک کند احساس امنیت، ثبات و شادی بیشتری داشته باشند و برای رفع نیازهای اجتماعی بسیج شوند و در نتیجه به پیشرفت جامعه کمک کنند.

مطالعات صورت گرفته درباره پژوهش حاضر به‌طور خاص به موضوع رفاه اجتماعی و عوامل تأثیرگذار بر آن پرداخته‌اند اما هیچ‌کدام اشاره‌ای بر وضعیت واقعی و آرمانی رفاه اجتماعی نکرده‌اند و در این زمینه با خلأ پژوهشی مواجه هستیم. بر این اساس، از نکات بدیع پژوهش حاضر این است که اولاً به مقایسه وضعیت واقعی و آرمانی رفاه اجتماعی پرداخته ثانیاً این مقایسه را در بین مناطق روستایی و شهری انجام داده است.

مبانی و چارچوب نظری

«رفاه اجتماعی» مفهومی پیچیده و پویاست و تعریف جامع و مورد توافقی از آن وجود ندارد. Wilkinson (1991) رفاه را در مفهوم وسیع آن، نظامی معرفی کرده است که نیازهای اجتماعی، فرهنگی و فیزیکی افراد، خانواده‌ها، نهادها و اجتماعات آن‌ها را در بر می‌گیرد (Brehm, 2003:26). Reader (1990) برای تحلیل رفاه اجتماعی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، مالی و دولتی، شاخص‌هایی از قبیل اشتغال، درآمد، ساختار اقتصادی، فقر، جرم،

آموزش، تراکم جمعیت، ظرفیت و نیاز مالی را در نظر گرفته است (Ramsey & Smit, 2002: 370). در تعریفی دیگر، رفاه اجتماعی متشکل از سیستمی از خدمات، مؤسسات یا نهادهای اجتماعی است که تلاش می‌کند تا سلامت و زندگی بهتر جامعه و زمینه روابط مناسب پیشرفت استعدادها، قابلیت‌ها و توانایی‌های انسان فراهم سازد (Joghataei, 2000: 5). رفاه اجتماعی را می‌توان از دیدگاه‌های مختلف تقسیم‌بندی نمود. یکی از آن‌ها دوگانه رفاه اجتماعی آرمانی (مورد انتظار) و واقعی است. این دوگانه، مطالعه رفاه اجتماعی را به دو رویکرد متفاوت منوط می‌کند:

رویکرد رئالیستی^۱: رفاه اجتماعی واقعی در این رویکرد قابل مطالعه است. بر اساس این رویکرد، رفاه پدیده‌ای «واقعی» و دارای صفاتی است که از «ضد رفاه» قابل تشخیص و تفکیک است. در این رویکرد برای سنجش رفاه از متغیرهای عینی و واقعی مانند سطح درآمد، میزان دسترسی به امکانات، میزان برآورده شدن سطوح مختلف نیازهای رفاهی و شاخص‌های توزیع امکانات رفاهی استفاده می‌شود (Fitzpatrick, 2001: 508).

رویکرد برساخت‌گرایی^۲: برای مطالعه رفاه آرمانی (مورد انتظار) نیازمند رویکرد برساخت‌گرایی هستیم. این رویکرد مدعی است رفاه لزوماً پدیده عینی و واقعی نیست، بلکه ابعاد ذهنی دارد. بر این اساس، سیاست‌های رفاهی یکسان، در تجارب زیسته افراد با یکدیگر بازتاب متفاوتی خواهد داشت؛ به عبارت دیگر، افراد مختلف، تعبیر متفاوت و مختلفی از رفاه دارند و آرمان‌های رفاهی آن‌ها با یکدیگر یکسان نیست. با این تفسیر، رویکرد برساخت‌گرا به موضوع رفاه، رویکردی ظریف‌تر و انسان‌گرایانه‌تر در مقایسه با رویکرد رئالیستی دارد. این رویکرد فرضیه‌های اصلی خود را بر نسبیت‌گرایی، ذهن‌گرایی و اختیارگرایی استوار کرده است (Ibid: 509).

این دو رویکرد به نوعی دیگر در دو کلیدواژه «رفاه عینی» و «رفاه ذهنی» نیز مستتر است. رفاه عینی را قدرت خرید و توانایی در کسب تسهیلات و امکانات زندگی می‌توان تلقی نمود. در مقابل رفاه ذهنی^۳ همان برداشت ذهنی افراد از چگونگی و کیفیت زندگی‌شان است که به ارزیابی شناختی و عاطفی آن‌ها از زندگی و سلامت اشاره دارد (Dolan & et. al, 2008: 98)؛ به عبارت دیگر «رفاه ذهنی» به احساسات، ادراک‌ها، شناخت‌ها و تجارب همان فردی مربوط می‌شود که موضوع رفاه قرار گرفته است (Fitzpatrick, 2002: 27). معمولاً در

¹ realism approach

² construction approach

³ Subjective Well-Being (SWB)

مطالعات مختلف، شاخص‌هایی نظیر شادکامی^۱، رضایت از زندگی^۲ و کیفیت زندگی^۳ به‌عنوان شاخص‌های ذهنی رفاه بکار می‌روند. از این رو، رفاه ذهنی مفهوم گسترده‌ای است که در برگیرنده تجربه عواطف خوشایند، سطوح پایین‌تر از خلق‌وخوی منفی و رضایتمندی بیشتر از زندگی و سلامت روحی - روانی شخص است (Diener & et. al, 2013: 663-666).

در مجموع مفهوم رفاه ذهنی در بسیاری از مطالعات اقتصادی روان‌شناسی و جامعه‌شناسی معادل با شادکامی و کیفیت زندگی یا رضایت از زندگی در نظر گرفته شده است (Easterlin, 2005: 3; Wang & Wang, 2016: 190)؛ اما رفاه ذهنی را به رفاه آرمانی نیز می‌توان پیوند زد. سنجش عواملی که سبب ایجاد تفاوت در رفاه آرمانی افراد می‌شود و بررسی نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی جغرافیایی به مباحث شادی و کیفیت زندگی مرتبط است (Ballas, 2013: 50). به منظور تعریف عوامل مؤثر بر رفاه آرمانی از پارامترهای تعیین‌کننده‌ای مانند درآمد، سن، وضعیت تأهل، تحصیلات و وضعیت اشتغال که در تمام مطالعات رفاه ذهنی مشترک هستند استفاده می‌شود (Balducci & Checchi, 2009: 36). علاوه بر متغیرهای مشترک در مدل‌های رفاه ذهنی، در پژوهش‌ها بر اساس هدف اصلی پژوهش، تمرکز بر یک یا چند دسته از عوامل تعیین‌کننده قرار دارد. به‌عنوان نمونه می‌توان به وضعیت سلامت، مذهب، مؤلفه‌های مختلف محیط زندگی، فضای سکونت و وضعیت مالکیت صاحب‌خانه بودن یا نبودن اشاره کرد. در نظر گرفتن تأثیرات محله سکونت بر رفاه ذهنی افراد، مجموعه جدید از عوامل تعیین‌کننده پدید آورده است که اکثر مطالعات منطقه‌ای و محیطی انجام شده بر رفاه ذهنی اهمیت آن را نشان داده‌اند. برخی از این عوامل تعیین‌کننده شامل مکانی که افراد در آن زندگی می‌کنند، کیفیت آن و رضایت از موقعیت مکانی خانه است (Ibem & Amole, 2013; Leyden & et. al, 2011) که این مسأله را درباره رفاه آرمانی نیز می‌توان به کار گرفت.

بر اساس تمایز «واقعیت» از «آرمان» می‌توان «رفاه واقعی» را امور عینی یا رخ داده و در حال جریانی تلقی نمود که شخص به واسطه آن امکانات و خدماتی را از نهادهای اجتماعی دریافت نموده و استعدادها، قابلیت‌ها و توانایی‌های خود را ارتقا می‌بخشد. رفاه واقعی به «آنچه هست» مربوط می‌شود. در مقابل «رفاه آرمانی» نتیجه درک آرمانی ما از رفاه، در قالب نظامی از خدمات، مؤسسات یا نهادهای اجتماعی است که تلاش می‌کند سلامت و زندگی بهتر

¹ happiness

² life satisfaction

³ quality of life

اجتماعی و زمینه مناسب پیشرفت استعدادها، قابلیت‌ها و توانایی‌های انسان را فراهم سازد. رفاه آرمانی به «آنچه می‌باید و انتظار می‌رود» مربوط می‌شود.

نظریه نیازهای مازلو

نیاز به‌عنوان مبنای نگرش‌ها و کنش‌های انسانی عبارت است از چیزی در درون فرد که او را به فعالیت و انجام کار وادار می‌دارد؛ به عبارت دیگر نیاز حالتی درونی است که باعث می‌شود نتیجه معینی، جذاب به نظر برسد (Robbins, 1993: 205). نیاز از مفاهیم اصلی سیاست رفاهی است. نیازها را به شیوه‌های مختلفی می‌توان دسته‌بندی نمود. یکی از این دسته‌بندی‌ها نیازهای اجتماعی و غیر اجتماعی و مادی و غیر مادی؛ نیازهای واقعی و کاذب است (Fitzpatrick, 2002: 23-24). مشهورترین تلاشی که برای پیوند زدن نیازهای مادی و غیر مادی صورت گرفته است به آبراهام مازلو (۱۹۰۸)، مربوط می‌شود. مازلو سلسله مراتب نیازها را تعریف کرد. در قسمت زیرین نیازهای فیزیولوژیکی و جسمانی قرار دارد که بقای انسان مشروط به برآورده شدن آن‌هاست و نیازهایی است که ایمنی و تأمین جسمانی و مادی مربوط می‌شود. سپس به نیازهای می‌رسیم که به مناسبات ما با دیگران ارتباط دارد (به خصوص نیازهای عاطفی و روابط جنسی). سپس نیاز به احترام و محترم شمرده شدن است و در رأس سلسله مراتب، نیاز به خلاقیت و اثبات خویشتن قرار دارد. مازلو معتقد بود که به مجرد برآورده شدن یک سطح از نیازها، سطحی دیگر از سلسله مراتب نیازها اهمیت می‌یابد. وضعیت جامعه در سلسله مراتب نیازها نمایانگر میزان توسعه و پیشرفت آن است بر این مبنا سیاست اجتماعی اهمیت حیاتی دارد؛ زیرا از یک سو نیازهای مادی را تأمین می‌کند و از سوی دیگر به افراد اجازه می‌دهد نیازهای غیر مادی خود را در سطح عالی برآورده سازند (Maslow, 1988: 100-102). بر این اساس نیازهای سطوح پایین‌تر با رفاه واقعی و نیازهای سطوح پایین‌تر به رفاه ذهنی مربوط می‌شوند. از طرف دیگر رفاه آرمانی افراد، تابعی از جایگاه برطرف شدن نیازهای افراد در هرم مازلو است. به این معنا که هر چه نیازهای سطوح بالاتر بیشتر برآورده شود، سطح رفاه آرمانی فرد ارتقا خواهد یافت.

نظریه بورديو

نظریه بورديو در بررسی مقایسه وضعیت واقعی و آرمانی رفاه اجتماعی از آن جهت می‌تواند گره‌گشا باشد که این نظریه تلاش دارد ضدیت کاذب بین عینیت‌گرایی و ذهنیت‌گرایی و یا به تعبیر او «ضدیت بیهوده میان فرد و جامعه» را از میان بردارد. بورديو

برای دوری جستن از تعارض عینیت‌گرایانه و ذهنیت‌گرایانه بر عملکرد تأکید می‌کند که به نظر او پیامد رابطه دیالکتیکی میان ساختار و عاملیت است. از دیدگاه بورديو ساختمان ذهنی به ساختارهای ذهنی یا شناختی اطلاق می‌شود که انسان‌ها از طریق آن‌ها با جهان اجتماعی برخورد می‌کنند. انسان‌ها مجهز به یک رشته طرح‌ها ملکه ذهن شده‌اند که با آن‌ها جهان اجتماعی‌شان را ادراک و ارزیابی و ارزش‌گذاری می‌کنند. از طریق همین طرح‌های ذهنی است که آدم‌ها عملکردهایشان را تولید کرده و آن‌ها را اجرا کرده و ارزش‌گذاری می‌کنند. در واقع می‌توان گفت که ساختمان ذهنی همان ساختارهای اجتماعی تجسم‌یافته و ملکه ذهن شده است. این ساختارها، تقسیم‌بندی‌های عینی در ساختارهای طبقاتی مانند گروه‌های سنی، جنسیت‌ها و طبقات اجتماعی را منعکس می‌سازند. ساختمان ذهنی که هر فرد معینی از خود نشان می‌دهد طی یک تاریخ فردی به دست می‌آید و کارکرد مقطع خاصی در تاریخ اجتماعی زمینه آن است (Ritzer, 1995: 723).

از دیدگاه بورديو سه نوع سرمایه (اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی) در فضای اجتماعی وجود دارد که از میدان‌های نابرابر کوچک تشکیل شده است. بورديو بر این نکته تأکید می‌کند که هر چه کنشگران سرمایه بیشتری داشته باشند، جایگاه آن‌ها در فضای اجتماعی بالاتر می‌رود. به گفته وی، سرمایه فرهنگی شامل سلیقه خوب، سبک خوشایند، پیچیدگی شناختی و توانایی پذیرش محصولات فرهنگی مشروع مانند موسیقی، تئاتر و ادبیات است. تربیت خانوادگی، آموزش رسمی و فرهنگ شغلی سه منبع سرمایه فرهنگی هستند. انباشت سرمایه فرهنگی از طریق این سه منبع باعث تفاوت بین کسانی که این سرمایه را دارند و کسانی که این سرمایه را ندارند، می‌شود. به گفته بورديو، فضای اجتماعی مجموعه‌ای از میدان‌هاست که اصل اساسی همه آن‌ها مبارزه بر سر سبک سرمایه است. انواع سرمایه در تقویت یا تغییر رفاه اجتماعی و کیفیت زندگی مؤثر است. بورديو تحصیلات را تجلی سرمایه فرهنگی می‌داند و علاوه بر آن، گرایش به موضوعات فرهنگی و انباشت محصولات فرهنگی در چشم یک فرد نیز سرمایه فرهنگی او را تشکیل می‌دهد. بورديو با توسل به نظریه تمایز، تأثیر سرمایه فرهنگی بر مصرف، فعالیت و کیفیت زندگی مردم را توضیح می‌دهد. بر این اساس، دارندگان سرمایه فرهنگی زیاد، خود را با مصرف فرهنگ و هنر متعالی از بقیه متمایز می‌سازند (Abdoli, 2014). با کاربرد نظریه بورديو در تبیین رفاه آرمانی و واقعی باید گفت رفاه اجتماعی در میدان (زمینه) که در اختیار شهروند قرار دارد تغییر می‌کند. این میدان (زمینه) را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی نمود:

میادین/اکتسابی: میادینی که خارج از اختیار فرد هستند و از خانواده یا موقعیت اجتماعی و فردی به میراث می‌رسند. این میادین در این پژوهش در قالب متغیرهایی چون جنسیت، ویژگی‌های خانواده، سن و گروه‌های سنی ... هستند.

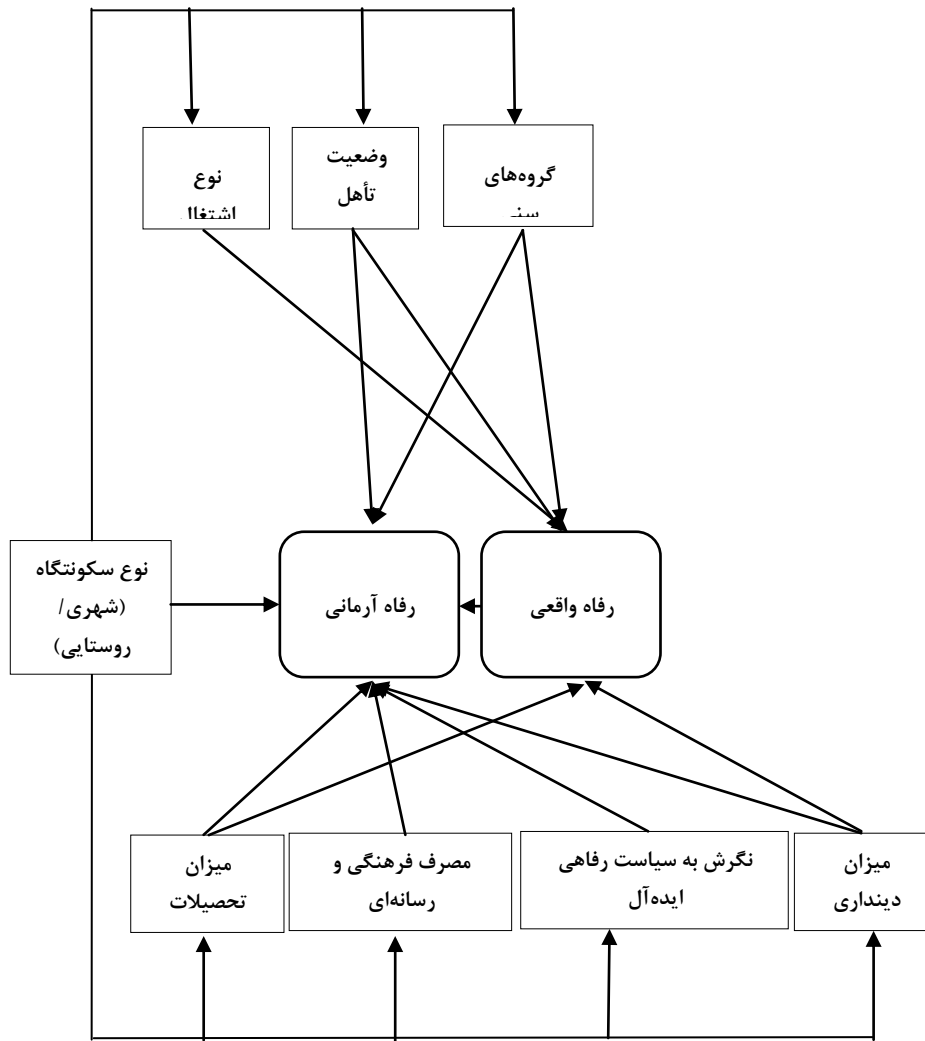
میادین/اکتسابی: میادین اکتسابی با فعالیت‌های خود فرد شکل می‌گیرد. منطقه زندگی و سرمایه اقتصادی از میادین اکتسابی فرد است.

از منظری دیگر میادین مهم تأثیرگذار بر رفاه آرمانی و واقعی شهروندان را می‌توان به دو دسته دولتی و فرادولتی تقسیم‌بندی نمود:

میادین دولتی: بخشی از میادین در اختیار فرد به سیاست‌گذاری‌های رفاهی دولت مربوط می‌شود که میدانی را شکل داده است که در آن رفاه فرد بهبود یافته است و یا به عکس رفاه او تنزل یافته است.

میادین فرادولتی: بخشی از میادین، خارج از حیطه و حوزه دولت قرار دارند. مهم‌ترین این میادین به رسانه‌های غیر دولتی و حتی خارج از کنترل دولت مانند فضای مجازی و کانال‌های ماهواره‌ای مربوط می‌شوند.

از طرف دیگر چون میادین در اختیار ساکنان مناطق روستایی و شهری با همدیگر متفاوت است می‌توان استنتاج نمود که رفاه واقعی و آرمانی آن‌ها نیز از همدیگر متفاوت باشد. نظر به این که نظریه خاصی که بتواند کل ابعاد مدل را پوشش دهد و به‌عبارتی دیگر همه متغیرهای تأثیرگذار در بستر اجتماعی مورد مطالعه در هیچ‌کدام از نظریه‌ها به‌صورت کامل مطرح نشده‌اند، به ناچار محقق از ترکیب و تلفیق نظری استفاده نموده است. در این وضعیت سعی شده است با محوریت پارادایم اثبات‌گرایی از دیدگاه‌های نظری استفاده گردد که متغیرهای مورد نظر قابلیت اندازه‌گیری و سنجش را داشته باشند. چنان‌که از مبانی نظری برمی‌آید ریدر بر اشتغال، تراکم جمعیتی و تحصیلات و نقش آن‌ها در رفاه شهروندان تأکید دارد یا دیدگاه رئالیستی بر سیاست‌های رفاهی و مصرف فرهنگی توجه دارد. بر ساخت‌گرایان با تمرکز بر رفاه عمومی سعی دارند این مفهوم را مورد تحلیل و کنکاش قرار داده و متأثر شدن این متغیر از سایر عوامل مانند سیاست‌های فرهنگی را تبیین نمایند. از دیگر نظریه‌های این پارادایم نظری بلدوچی و چیچی است که وضعیت سکونت افراد و ارتباط آن با سطح رفاه را مورد تحلیل قرار داده‌اند. در نهایت بوردیو با تمرکز بر مصرف فرهنگی، مجموعه‌ای از عوامل را در این فرایند مورد تبیین قرار می‌دهند. بر این اساس رویکرد موردنظر در تبیین مدل پژوهشی ترکیبی از نظریه‌ها است.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش، متغیرهای مختلف پژوهش و رابطه علی آن‌ها با همدیگر

Figure 1: Conceptual Model of the Research, Various Research Variables and Their Causal Relationship with Each Other

روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر بر اساس نوع داده‌های جمع‌آوری و تحلیل شده، تحقیقی کمی است و راهبرد مورد استفاده در این پژوهش، توصیف از نوع پیمایشی و همبستگی می‌باشد. جامعه

آماري مورد مطالعه كل شهروندان شهرستان ازنا است كه بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ برابر با ۷۱۵۸۶ نفر بوده است. با توجه به تعداد زیاد جامعه آماری و عدم امکان گردآوری داده‌ها از همه افراد، دست به انتخاب نمونه زدیم. برای این کار با استفاده از جدول نان لین حجم نمونه با در نظر گرفتن خطای کمتر از ۵ صدم و اطمینان بیشتر از ۹۵ درصد تعداد ۳۸۴ نفر كه با روش تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. البته در انتخاب حجم نمونه سعی شد نسبت شهر و روستا در این مطالعه برابر با نسبت شهرنشینی نسبت به روستانشینی در حال حاضر در وضعیت جمعیتی کشور باشند و بنابراین ۳۰ درصد داده‌ها از بین روستاییان و ۷۰ درصد نیز از بین شهریان در نظر گرفته شود. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته است. در ساخت پرسشنامه و سنجش برخی متغیرها در این پژوهش، از طیف لیکرت استفاده به عمل آمد. در این پژوهش از دو دسته پرسش استفاده به عمل آمد. دسته اول پرسش‌هایی بود كه پاسخ‌های آن‌ها از قبل تعیین شده بود. این‌ها پرسش‌های بسته بودند و پاسخ‌گویان بر حسب نظر خود یکی از آن‌ها را انتخاب می‌کردند. مثلاً پرسش‌هایی مانند وضعیت تأهل كه از دو گزینه مجرد و متأهل تشکیل می‌شد. گروهی از سؤالات نیز در قالب طیف لیکرت با بیش از یک گویه سنجش گردیدند با استفاده از جواب‌هایی پنج‌درجه‌ای از کاملاً موافق با كد یک تا كاملاً مخالف با كد پنج مشخص شدند.

در نهایت پس از اینکه محقق داده‌های لازم برای تحلیل جمع‌آوری نمود؛ بر روی هر یک از پرسشنامه‌ها كد خاصی درج گردید و به ترتیب كدهای درج شده وارد فضای نرم‌افزار SPSS شدند. برای این كار ابتدا در صفحه متغیرها در نرم‌افزار، سعی شد كه تمام متغیرها و گویه‌ها تعریف شوند و خصوصیات هر یک از متغیرها و گویه‌ها در نرم‌افزار بیان شد و سپس داده‌های گردآوری شده (پرسشنامه‌ها) در پنجره داده‌ها وارد شدند. پس از این كه داده‌ها وارد نرم‌افزار SPSS شدند، ابتدا سعی گردید پالایش داده‌ها با استفاده از فراوانی انجام پذیرد. این كار به جهت رفع برخی از اشتباهات آماری در مرحله ورود داده‌ها بود كه با این روش اصلاح شدند و عملیات آماری بر روی داده‌ها شروع شد. عملیات آماری در دو مرحله انجام گرفت: در مرحله نخست سعی گردید كه همه متغیرها و گویه‌ها توصیف شوند كه این كار با استفاده از شاخص‌های موجود در آمار توصیفی انجام گرفت. پس از آن و قبل از آزمون فرضیه‌ها دو عملیات كدگذاری مجدد و برای برخی گویه‌های ناهمسو و در نهایت جمع گویه‌های یک متغیر انجام گرفت. در مرحله آخر فرضیه‌ها مورد آزمون قرار گرفتند.

برای سنجش مفاهیم در قالب تعریف عملیاتی آن‌ها به شرح زیر عمل گردید:

نگرش به سیاست رفاهی/ایده‌آل: سیاستی که در آن تأمین و بهبود رفاه عمومی وظیفه قانونی نهادهای قدرت است. در این نظام اقتصادی دولت به همه کسانی که به هر دلیل نتوانند هزینه‌های خود را تأمین کنند، یاری‌رسانی می‌کند. این کار از طریق پرداخت مستمری (حداقل درآمد) یا کمک‌های نقدی دیگر انجام می‌شود. این متغیر با استفاده از سه گویه در قالب طیف پنج درجه‌ای لیکرت مورد سنجش قرار گرفت. در تدوین گویه‌های این متغیر نگرش افراد و پاسخگویان نسبت به کمک‌های دولتی مورد سؤال واقع شد؛ اینکه شما تا چه حد این کمک‌ها را قبول دارید و نظر پاسخگویان نسبت به این کمک‌ها چگونه است.

مصرف فرهنگی و رسانه‌ای: مصرف فرهنگی، یعنی کالاهایی که مردم در درجه نخست آن را می‌سازند و سپس مصرف می‌کنند. اگر این کار جنبه فرهنگی داشته باشد، مصرف فرهنگی خوانده می‌شود. اینکه چگونه فرهنگ در جریان‌های متفاوتی شکل می‌گیرد. این متغیر با استفاده از سه گویه در قالب طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت مورد سنجش قرار گرفت.

میزان دین‌داری: دین‌داری به معنای باور داشتن آن عقاید و تعهد به آن اخلاق و التزام عملی به آن احکام است. این متغیر با استفاده از سه گویه در قالب طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت مورد سنجش قرار گرفت.

رفاه آرمانی و رفاه واقعی: رفاه تأمین یک سطح از نیکبود (تندرستی) و حمایت اجتماعی برای همه شهروندان یک کشور است. در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته، علاوه بر سازمان‌های خیریه، گروه‌های اجتماعی غیر رسمی، گروه‌های مذهبی و سازمان‌های دولتی، رفاه عمدتاً توسط خود مردم تأمین می‌شود. واقعیت نشان‌دهنده وضع موجود است (آنچه در محیط پیرامونی ما می‌گذرد)؛ اما آرمان وضع مطلوب را مشخص می‌کند (وضع مورد انتظار و پیشنهاد) (Layali, 2013). در این مطالعه منظور از رفاه واقعی، آن نوع از زندگی است که عملاً مردم درگیر آن هستند و سطحی از تأمین نیازمندی‌های مردم را نشان می‌دهد که قابل قبول می‌باشد. رفاه آرمانی آن نوع از وضعیت اقتصادی اجتماعی مردم را نشان می‌دهد که در ذهن برای خود دارند و در تلاش برای رسیدن به آن هستند. این متغیر با استفاده از ۴۰ گویه در قالب طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت مورد سنجش قرار گرفت.

برای اطمینان از اعتبار ابزار سنجش، با بهره‌گیری از نظرات داوران متخصص در حوزه موضوع تحقیق، ابتدا اعتبار صوری سؤالات پرسش‌نامه سنجیده شد. علاوه بر استفاده از نظرات متخصصان، تلاش شد تا در طراحی سؤالات پرسش‌نامه از سؤالات مشابهی که در تحقیقات دیگر استفاده شده‌اند، بهره گرفته شود. برای سنجش پایایی ابزار سنجش

(پرسش‌نامه)، ضریب آلفای کرونباخ محاسبه گردیده است، آلفای کرونباخ هر یک از متغیرها در جدول زیر آمده است.

جدول ۱: آلفای کرونباخ هر یک از متغیرها

Table 1: Cronbach's Alpha of Each Variable

ردیف	نام متغیر	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
Row	Variable Name	Number of Items	Cronbach's Alpha
۱	رفاه آرمانی	۴۰	۰/۹۴
۲	رفاه واقعی	۴۰	۰/۹۲
۳	میزان دین‌داری	۶	۰/۸۰
۴	نگرش به سیاست رفاهی ایده‌آل	۳	۰/۷۲
۵	مصرف فرهنگی و رسانه‌ای	۴	۰/۷۴

یافته‌های پژوهش

نتایج نشان می‌دهد از مجموع ۱۱۵ نفر پاسخ‌دهنده در بین روستائیان، ۶۲ نفر مرد، ۵۳ نفر زن بوده‌اند. به عبارتی بیشتر پاسخگویان مرد (۵۳/۰) درصد بودند. در بین شهرنشینان نیز از مجموع ۲۶۳ نفر پاسخ‌دهنده، ۱۵۰ نفر مرد، ۱۱۳ نفر زن بوده‌اند. بیشتر پاسخگویان زن با (۵۷/۰) درصد بوده‌اند.

در روستاها از مجموع ۱۱۵ نفر پاسخ‌دهنده، دامنه سنی ۱۸-۲۲ سال، ۱۴ نفر، ۲۳-۲۸ سال، ۲۶ نفر، ۲۹-۳۴ سال، ۲۹ نفر، ۳۵-۴۰ سال، ۱۹ نفر، ۴۱-۴۵ سال، ۱۸ نفر، ۴۶-۵۰ سال، ۳۴ نفر، ۵۱-۵۵ سال، ۳ نفر، ۵۶-۶۰ سال، ۱ نفر بوده است. در واقع می‌توان گفت بیشتر پاسخگویان در دامنه سنی ۲۹-۳۴ سال، (۲۶/۴) درصد بوده‌اند. در شهر از مجموع ۲۶۳ نفر پاسخ‌دهنده، دامنه سنی ۱۸-۲۲ سال، ۱۷ نفر، ۲۳-۲۸ سال، ۱۰ نفر، ۲۹-۳۴ سال، ۶۰ نفر، ۳۵-۴۰ سال، ۴۵ نفر، ۴۱-۴۵ سال، ۵۷ نفر، ۴۶-۵۰ سال، ۳۶ نفر، ۵۱-۵۵ سال، ۲۱ نفر، ۵۶-۶۰ سال، ۱۷ نفر بوده است. در واقع می‌توان گفت بیشتر پاسخگویان در دامنه سنی ۳۴-۲۹ سال با ۲۳/۰ درصد بوده‌اند.

در روستا از مجموع ۱۱۵ نفر پاسخ‌دهنده ۳۲ نفر زیر دیپلم، ۴۷ نفر دیپلم، ۱۰ نفر فوق دیپلم، ۱۴ نفر لیسانس، ۱۱ نفر فوق لیسانس و ۲ نفر دکتری و بالاتر بوده‌اند. بیشتر پاسخگویان دارای دیپلم با ۴۱/۰ درصد بوده‌اند؛ اما در شهر از مجموع ۲۶۳ نفر پاسخ‌دهنده،

۵۱ نفر فوق دیپلم، ۷۸ نفر لیسانس، ۶۹ نفر فوق لیسانس و ۲۶ نفر دکتری و بالاتر بوده‌اند. بیشتر پاسخگویان دارای تحصیلات لیسانس، (۰/۲۹) درصد بوده‌اند. در محیط‌های روستایی از مجموع ۱۱۵ نفر پاسخ‌دهنده ۹ نفر در حال تحصیل، ۱۵ نفر بیکار، ۲۱ نفر کار آزاد و فصلی، ۴۳ نفر کار آزاد دائمی، ۱۷ نفر کار شرکتی و ۱۰ نفر کار دولتی بوده است. در واقع می‌توان گفت بیشتر پاسخگویان در وضعیت شغلی کار آزاد دائمی با ۰/۳۷ درصد بوده‌اند؛ اما در شهر از مجموع ۲۶۳ نفر پاسخ‌دهنده، ۲۷ نفر در حال تحصیل، ۲۳ نفر بیکار، ۵۱ نفر کار آزاد فصلی و موقت، ۸۸ نفر کار آزاد دائمی، ۳۵ نفر کار شرکتی و ۳۹ نفر کار دولتی است. در واقع می‌توان گفت بیشتر پاسخگویان در وضعیت شغلی کار آزاد دائمی با ۰/۳۳ درصد بوده‌اند.

در محیط‌های روستایی از مجموع ۱۱۵ نفر پاسخ‌دهنده، ۳۹ نفر درآمد ۵۰۰ هزار تومان و کمتر، ۱۸ نفر درآمد ۵۰۰ هزار تومان تا یک میلیون تومان، ۲۲ نفر یک میلیون تا دو میلیون تومان، ۳۶ نفر دو میلیون به بالا بوده‌اند. بیشتر پاسخگویان درآمد ۵۰۰ هزار تومان و کمتر، (۳۳/۶) درصد بوده‌اند؛ اما در شهر از مجموع ۲۶۳ نفر پاسخ‌دهنده، ۲۸ نفر درآمد ۵۰۰ هزار تومان و کمتر، ۲۸ نفر درآمد ۵۰۰ هزار تومان تا یک میلیون تومان، ۴۴ نفر یک میلیون تا دو میلیون تومان، ۱۳۴ نفر دو میلیون به بالا، ۲۹ نفر بی‌پاسخ بوده‌اند. بیشتر پاسخگویان درآمد دو میلیون به بالا، (۶۵/۷) درصد بوده‌اند.

تحلیل استنباطی فرضیه‌های اصلی تحقیق

نتایج آزمون تی دو گروه مستقل نشان می‌دهد میزان رفاه واقعی افراد ساکن در روستا و شهر با هم تفاوت معناداری دارد و این تفاوت بر اساس آزمون تی دو گروه مستقل برای همه متغیرها معنادار بوده و قابلیت تعمیم به کل جامعه آماری را دارد. بر اساس مقادیر بدست آمده در محاسبات جدول ۲ چون مقدار سطح معنی‌داری بدست آمده ۰/۰۰۰ از ۰/۰۵ پس کوچک‌تر می‌باشد، بنابراین رفاه واقعی ساکنان مناطق شهری و روستایی متفاوت است. پس نتیجه می‌گیریم این فرضیه معنادار است.

جدول ۲: بررسی رابطه فرضیه کلی

Table 2: General Hypothesis Relationship Review

ردیف	مدل	گویه	میانگین		نتیجه آزمون	
			Average		Test Result	
			واقعی	نظری	T	معناداری
			Real	Theoretical	T	Sig
۱	رفاه آرمانی	شهرنشینان	۱۲۵/۱۴	۱۲۰	۲/۳۴	۰/۰۴۱
		روستانشینان	۹۶/۳۲	۱۲۰	۶/۷۹	۰/۰۰۰
۲	رفاه واقعی	شهرنشینان	۱۱۲/۵۳	۱۲۰	۵/۲۲	۰/۰۰۰
		روستانشینان	۹۱/۴۲	۱۲۰	۷/۱۸	۰/۰۰۰
۳	میزان دین‌داری	شهرنشینان	۱۴/۸۵	۱۸	۳/۴۳	۰/۰۰۷
		روستانشینان	۲۱/۳۷	۱۸	۳/۳۱	۰/۰۴۷
۴	نگرش به سیاست رفاهی ایده‌آل	شهرنشینان	۱۲/۴۸	۹	۲/۶۳	۰/۰۳
		روستانشینان	۱۰/۳۳	۹	۲/۲۱	۰/۰۵۲
۵	مصرف فرهنگی و رسانه‌ای	شهرنشینان	۱۴/۸۲	۱۲	۲/۰۱	۰/۰۴۹
		روستانشینان	۱۳/۹۷	۱۲	۲/۰۱	۰/۰۵۰

فرضیه ۱: گروه‌های سنی بر رفاه (واقعی و آرمانی) افراد مؤثر است.

نتایج حاصل از آزمون رگرسیون نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری برای ضریب رگرسیونی متغیر رفاه واقعی و آرمانی افراد ($Sig = 0/000 < 0/05$)، فرض صفر مبنی بر صفر بودن مقدار این ضریب رد خواهد شد. در نتیجه می‌توان گفت به ازای یک واحد افزایش در سطح میزان گروه‌های سنی با رفاه واقعی و آرمانی افراد به همان اندازه افزایش پیدا خواهد کرد (به دلیل مثبت بودن ضریب رگرسیون) و با توجه به اینکه ضریب رگرسیونی معنی‌دار خواهد بود بنابراین با سطح اطمینان ۹۵٪ می‌توان فرضیه محقق مبنی بر تأثیر گروه‌های سنی بر رفاه واقعی و آرمانی افراد مورد تأیید می‌باشد.

جدول ۳: ضرایب معادله رگرسیونی تأثیر گروه‌های سنی بر رفاه افراد

Table 3: Regression Equation Coefficients of the Effect of Age Groups on Individual Well-Being

وضعیت میزان رفاه	مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	آماره (t)	معنی‌داری
Status Model Welfare Level	Model	B	Std.Error	Standardized Coefficients	t	Sig.
واقعی	مقدار ثابت	۱/۸۱۱	۰/۱۲۹		۱۴/۰۸۷	۰/۰۰۰
	گروه‌های سنی	۰/۳۸۷	۰/۰۴۳	۰/۳۹۹	۸/۹۴۳	۰/۰۰۰
آرمانی	مقدار ثابت	۱/۶۱۶	۰/۱۳۲		۱۲/۲۷۱	۰/۰۰۰
	گروه‌های سنی	۰/۴۳۱	۰/۰۴۴	۰/۴۲۷	۹/۷۰۷	۰/۰۰۰

فرضیه ۲: نسبت اعضای شاغل به تعداد اعضای خانواده بر رفاه (واقعی و آرمانی) افراد مؤثر است.

نتایج حاصل از آزمون رگرسیون نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری برای ضریب رگرسیونی متغیر رفاه واقعی افراد ($Sig = 0/000 < 0/05$)، فرض صفر مبنی بر صفر بودن مقدار این ضریب رد خواهد شد در نتیجه می‌توان گفت به ازای یک واحد افزایش در سطح میزان نسبت اعضای شاغل به تعداد اعضای خانواده با رفاه واقعی افراد به همان اندازه افزایش پیدا خواهد کرد (به دلیل مثبت بودن ضریب رگرسیون) و با توجه به اینکه ضریب رگرسیونی معنی‌دار خواهد بود بنابراین با سطح اطمینان ۹۵٪ می‌توان فرضیه محقق مبنی بر تأثیر و رابطه نسبت اعضای شاغل به تعداد اعضای خانواده بر رفاه واقعی افراد تأیید شده است. همچنین نتایج حاصل از آزمون رگرسیون نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری برای ضریب رگرسیونی متغیر رفاه آرمانی افراد ($Sig = 0/000 < 0/05$)، فرض صفر مبنی بر صفر بودن مقدار این ضریب رد خواهد شد در نتیجه می‌توان گفت به ازای یک واحد افزایش در سطح میزان نسبت اعضای شاغل به تعداد اعضای خانواده با رفاه آرمانی افراد به همان اندازه افزایش پیدا خواهد کرد (به دلیل مثبت بودن ضریب رگرسیون) و با توجه به اینکه ضریب رگرسیونی معنی‌دار خواهد بود بنابراین با سطح اطمینان ۹۵٪ می‌توان فرضیه محقق مبنی بر تأثیر و رابطه نسبت اعضای شاغل به تعداد اعضای خانواده بر رفاه آرمانی افراد تأیید شده است.

جدول ۴: ضرایب معادله رگرسیونی تأثیر نسبت اعضای شاغل به تعداد اعضای خانواده بر رفاه افراد
Table 4: Coefficients of the Regression Equation of the Effect of the Ratio of Employed Members to the Number of Family Members on Individual Well-Being

وضعیت میزان رفاه	مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	آماره (t)	معنی‌داری
Status Model Welfare Level	Model	B	Std.Error	Standardized Coefficients	t	Sig.
واقعی	مقدار ثابت	۱/۸۷۵	۰/۱۱۹		۱۵/۷۶۵	۰/۰۰۰
	نسبت اعضای شاغل به تعداد اعضای خانواده	۰/۳۸۵	۰/۰۴۲	۰/۴۰۷	۹/۱۵۶	۰/۰۰۰
آرمانی	مقدار ثابت	۱/۰۲۲	۰/۰۹۹		۱۰/۳۴۲	۰/۰۰۰
	نسبت اعضای شاغل به تعداد اعضای خانواده	۰/۶۷۳	۰/۰۳۵	۰/۶۸۳	۱۹/۲۴۱	۰/۰۰۰

فرضیه ۳: وضعیت تأهل بر رفاه (واقعی و آرمانی) افراد مؤثر است.

نتایج حاصل از آزمون رگرسیون نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری برای ضریب رگرسیونی متغیر رفاه آرمانی افراد ($Sig = ۰/۰۰۰ < ۰/۰۵$)، فرض صفر مبنی بر صفر بودن مقدار این ضریب رد خواهد شد در نتیجه می‌توان گفت به ازای یک واحد افزایش در سطح میزان وضعیت تأهل با رفاه آرمانی افراد به همان اندازه افزایش پیدا خواهد کرد (به دلیل مثبت بودن ضریب رگرسیون) و با توجه به اینکه ضریب رگرسیونی معنی‌دار خواهد بود بنابراین با سطح اطمینان ۹۵٪ می‌توان فرضیه محقق مبنی بر تأثیر و رابطه وضعیت تأهل بر رفاه آرمانی افراد تأیید شده است.

همچنین نتایج حاصل از آزمون رگرسیون نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری برای ضریب رگرسیونی متغیر رفاه واقعی افراد ($Sig = ۰/۰۰۰ < ۰/۰۵$)، فرض صفر مبنی بر صفر بودن مقدار این ضریب رد خواهد شد در نتیجه می‌توان گفت به ازای یک واحد افزایش در سطح میزان وضعیت تأهل با رفاه واقعی افراد به همان اندازه افزایش پیدا خواهد کرد (به دلیل مثبت بودن ضریب رگرسیون) و با توجه به اینکه ضریب رگرسیونی معنی‌دار خواهد بود بنابراین با سطح اطمینان ۹۵٪ می‌توان فرضیه محقق مبنی بر تأثیر و رابطه وضعیت تأهل بر رفاه واقعی افراد تأیید شده است.

جدول ۵: ضرایب معادله رگرسیونی تأثیر وضعیت تأهل بر رفاه افراد**Table 5: Coefficients of the Regression Equation of the Effect of Marital Status on Individuals' Well-Being**

وضعیت میزان رفاه	مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	آماره (t)	معنی داری
Status Model Welfare Level	Model	B	Std.Error	Standardized Coefficients	t	Sig.
واقعی	مقدار ثابت	۲/۰۰۷	۰/۱۲۰		۱۶/۶۷۷	۰/۰۰۰
	وضعیت تأهل	۰/۳۲۵	۰/۰۴۱	۰/۳۶۰	۷/۹۲۶	۰/۰۰۰
آرمانی	مقدار ثابت	۱/۷۵۷	۰/۱۲۲		۱۴/۴۰۴	۰/۰۰۰
	وضعیت تأهل	۰/۳۸۹	۰/۰۴۲	۰/۴۱۴	۹/۳۵۲	۰/۰۰۰

فرضیه ۴: نگرش به سیاست رفاهی ایده‌آل بر رفاه (واقعی و آرمانی) افراد مؤثر است.

نتایج حاصل از آزمون رگرسیون نشان می‌دهد که سطح معنی داری برای ضریب رگرسیونی متغیر رفاه واقعی و آرمانی افراد ($Sig = ۰/۰۰۰ < ۰/۰۵$)، فرض صفر مبنی بر صفر بودن مقدار این ضریب رد خواهد شد. در نتیجه می‌توان گفت به ازای یک واحد افزایش در سطح میزان نگرش به سیاست رفاهی ایده‌آل با رفاه واقعی و آرمانی افراد به همان اندازه افزایش پیدا خواهد کرد (به دلیل مثبت بودن ضریب رگرسیون) و با توجه به اینکه ضریب رگرسیونی معنی دار خواهد بود بنابراین با سطح اطمینان ۹۵٪ می‌توان فرضیه محقق مبنی بر تأثیر و رابطه نگرش به سیاست رفاهی ایده‌آل بر رفاه واقعی و آرمانی افراد تأیید شده است.

جدول ۶: ضرایب معادله رگرسیونی تأثیر نگرش به سیاست رفاهی ایده‌آل بر رفاه افراد**Table 6: Coefficients of the Regression Equation of the Effect of Attitude towards Ideal Welfare Policy on Individual Well-Being**

وضعیت میزان رفاه	مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	آماره (t)	معنی داری
Status Model Welfare Level	Model	B	Std.Error	Standardized Coefficients	t	Sig.
واقعی	مقدار ثابت	۱/۸۱۷	۰/۱۲۵		۱۴/۵۷۲	۰/۰۰۰
	نگرش به سیاست رفاهی ایده‌آل	۰/۳۷۳	۰/۰۴۱	۰/۴۰۸	۹/۱۹۳	۰/۰۰۰
آرمانی	مقدار ثابت	۱/۷۴۹	۰/۱۳۱		۱۳/۴۰۱	۰/۰۰۰
	نگرش به سیاست رفاهی ایده‌آل	۰/۳۷۳	۰/۰۴۳	۰/۳۹۲	۸/۷۶۶	۰/۰۰۰

فرضیه ۵: مصرف فرهنگی و رسانه‌ای بر رفاه (واقعی و آرمانی) افراد مؤثر است.

نتایج حاصل از آزمون رگرسیون نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری برای ضریب رگرسیونی متغیر رفاه واقعی افراد ($Sig = 0/000 < 0/05$)، فرض صفر مبنی بر صفر بودن مقدار این ضریب رد خواهد شد در نتیجه می‌توان گفت به ازای یک واحد افزایش در سطح میزان مصرف فرهنگی و رسانه‌ای با رفاه واقعی افراد به همان اندازه افزایش پیدا خواهد کرد (به دلیل مثبت بودن ضریب رگرسیون) و با توجه به اینکه ضریب رگرسیونی معنی‌دار خواهد بود بنابراین با سطح اطمینان ۹۵٪ می‌توان فرضیه محقق مبنی بر تأثیر و رابطه مصرف فرهنگی و رسانه‌ای بر رفاه واقعی افراد تأیید شده است. همچنین نتایج حاصل از آزمون رگرسیون نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری برای ضریب رگرسیونی متغیر رفاه آرمانی افراد ($Sig = 0/000 < 0/05$)، فرض صفر مبنی بر صفر بودن مقدار این ضریب رد خواهد شد در نتیجه می‌توان گفت به ازای یک واحد افزایش در سطح میزان مصرف فرهنگی و رسانه‌ای با رفاه آرمانی افراد به همان اندازه افزایش پیدا خواهد کرد (به دلیل مثبت بودن ضریب رگرسیون) و با توجه به اینکه ضریب رگرسیونی معنی‌دار خواهد بود بنابراین با سطح اطمینان ۹۵٪ می‌توان فرضیه محقق مبنی بر تأثیر و رابطه مصرف فرهنگی و رسانه‌ای بر رفاه آرمانی افراد تأیید شده است.

جدول ۷: ضرایب معادله رگرسیونی تأثیر مصرف فرهنگی و رسانه‌ای بر رفاه افراد

Table 7: Coefficients of the Regression Equation of the Impact of Cultural and Media Consumption on Individual Well-Being

وضعیت میزان رفاه	مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	آماره (t)	معنی‌داری
Status Model Welfare Level	Model	B	Std.Error	Standardized Coefficients	t	Sig.
واقعی	مقدار ثابت	۱/۷۱۰	۰/۱۱۸		۱۴/۴۳۸	۰/۰۰۰
	مصرف فرهنگی و رسانه‌ای	۰/۴۰۸	۰/۰۳۸	۰/۴۵۹	۱۰/۶۱۶	۰/۰۰۰
آرمانی	مقدار ثابت	۱/۶۴۵	۰/۱۲۴		۱۳/۲۲۶	۰/۰۰۰
	مصرف فرهنگی و رسانه‌ای	۰/۴۰۷	۰/۰۴۰	۰/۴۴۰	۱۰/۰۷۵	۰/۰۰۰

فرضیه ۶: میزان تحصیلات بر رفاه (واقعی و آرمانی) افراد مؤثر است.

نتایج حاصل از آزمون رگرسیون نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری برای ضریب رگرسیونی متغیر رفاه واقعی افراد ($Sig = 0/000 < 0/05$)، فرض صفر مبنی بر صفر بودن مقدار

این ضریب رد خواهد شد در نتیجه می‌توان گفت به ازای یک واحد افزایش در سطح میزان تحصیلات با رفاه واقعی افراد به همان اندازه افزایش پیدا خواهد کرد (به دلیل مثبت بودن ضریب رگرسیون) و با توجه به اینکه ضریب رگرسیونی معنی‌دار خواهد بود بنابراین با سطح اطمینان ۹۵٪ می‌توان فرضیه محقق مبنی بر تأثیر و رابطه میزان تحصیلات بر رفاه واقعی افراد تأیید شده است. نتایج حاصل از آزمون رگرسیون نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری برای ضریب رگرسیونی متغیر رفاه آرمانی افراد ($Sig = 0/000 < 0/05$)، فرض صفر مبنی بر صفر بودن مقدار این ضریب رد خواهد شد در نتیجه می‌توان گفت به ازای یک واحد افزایش در سطح میزان تحصیلات با رفاه آرمانی افراد به همان اندازه افزایش پیدا خواهد کرد (به دلیل مثبت بودن ضریب رگرسیون) و با توجه به اینکه ضریب رگرسیونی معنی‌دار خواهد بود بنابراین با سطح اطمینان ۹۵٪ می‌توان فرضیه محقق مبنی بر تأثیر و رابطه میزان تحصیلات بر رفاه آرمانی افراد تأیید شده است.

جدول ۸: ضرایب معادله رگرسیونی تأثیر میزان تحصیلات بر رفاه افراد

Table 8: Coefficients of the Regression Equation of the Effect of Education Level on Individual Well-Being

وضعیت میزان رفاه	مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	آماره (t)	معنی‌داری
Status Model Welfare Level	Model	B	Std.Error	Standardized Coefficients	t	Sig.
واقعی	مقدار ثابت	۱/۷۲۷	۰/۱۲۴		۱۳/۹۴۳	۰/۰۰۰
	میزان تحصیلات	۰/۴۰۴	۰/۰۴۰	۰/۴۳۷	۹/۹۹۰	۰/۰۰۰
آرمانی	مقدار ثابت	۱/۲۵۶	۰/۱۱۸		۱۰/۶۰۷	۰/۰۰۰
	میزان تحصیلات	۰/۵۳۹	۰/۰۳۹	۰/۵۶۱	۱۳/۹۴۹	۰/۰۰۰

فرضیه ۷: میزان دینداری بر رفاه (واقعی و آرمانی) افراد مؤثر است.

نتایج حاصل از آزمون رگرسیون نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری برای ضریب رگرسیونی متغیر رفاه واقعی افراد ($Sig = 0/000 < 0/05$)، فرض صفر مبنی بر صفر بودن مقدار این ضریب رد خواهد شد در نتیجه می‌توان گفت به ازای یک واحد افزایش در سطح میزان دینداری با رفاه واقعی افراد به همان اندازه افزایش پیدا خواهد کرد (به دلیل مثبت بودن ضریب رگرسیون) و با توجه به اینکه ضریب رگرسیونی معنی‌دار خواهد بود بنابراین با سطح اطمینان ۹۵٪ می‌توان فرضیه محقق مبنی بر تأثیر و رابطه میزان دینداری بر رفاه واقعی افراد

تأیید شده است. همچنین نتایج حاصل از آزمون رگرسیون نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری برای ضریب رگرسیونی متغیر رفاه آرمانی افراد ($0/05 < Sig = 0/000$)، فرض صفر مبنی بر صفر بودن مقدار این ضریب رد خواهد شد در نتیجه می‌توان گفت به ازای یک واحد افزایش در سطح میزان دینداری با رفاه آرمانی افراد به همان اندازه افزایش پیدا خواهد کرد (به دلیل مثبت بودن ضریب رگرسیون) و با توجه به اینکه ضریب رگرسیونی معنی‌دار خواهد بود بنابراین با سطح اطمینان ۹۵٪ می‌توان فرضیه محقق مبنی بر تأثیر و رابطه میزان دینداری بر رفاه آرمانی افراد تأیید شده است.

جدول ۹: ضرایب معادله رگرسیونی تأثیر میزان دینداری بر رفاه افراد

Table 9: Coefficients of the Regression Equation of the Effect of Religiosity on Individual Well-Being

وضعیت میزان رفاه	مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	آماره (t)	معنی‌داری
Status Model Welfare Level	Model	B	Std.Error	Standardized Coefficients	t	Sig.
واقعی	مقدار ثابت	۲/۲۹۲	۰/۰۹۸		۲۳/۴۲۳	۰/۰۰۰
	میزان دینداری	۰/۲۴۳	۰/۰۳۵	۰/۳۱۷	۶/۸۶۶	۰/۰۰۰
آرمانی	مقدار ثابت	۱/۸۳۱	۰/۰۹۳		۱۹/۶۲۹	۰/۰۰۰
	میزان دینداری	۰/۳۹۳	۰/۰۳۴	۰/۴۹۳	۱۱/۶۵۲	۰/۰۰۰

فرضیه ۸: به نظر می‌رسد وضعیت رفاه واقعی ساکنان مناطق شهری و روستایی ازنا با هم تفاوت دارد.

برای آزمون این فرض از آزمون *U Man-Whitney* (دو گروه از پاسخگویان را با یکدیگر مقایسه می‌کند) استفاده گردیده است بر این اساس باید فرض زیر را آزمون کنیم: نتایج آزمون *U Man-Whitney* نشان می‌دهد میزان ضریب همبستگی رفاه واقعی ساکنان مناطق شهری و روستایی ازنا $5347/50$ با سطح معنی‌داری $0/00$ می‌باشد (در سطح خطای کمتر از $0/05$) فرض H_1 تحقیق پذیرش و فرض H_0 مورد رد قرار می‌گیرد. بر اساس مقادیر به‌دست آمده در محاسبات جدول ۱۰ چون مقدار سطح معنی‌داری به‌دست آمده $0/00$ از $0/05$ کوچک‌تر می‌باشد؛ بنابراین رفاه واقعی ساکنان مناطق شهری و روستایی ازنا متفاوت است. پس نتیجه می‌گیریم این فرضیه معنادار است ولی توزیع نرمالی نیست ($Sig.(P) < \alpha(0/05)$).

جدول ۱۰: جدول آنالیز متغیر رفاه واقعی ساکنان مناطق شهری و روستایی

Table 10: Analysis Table of the Actual Welfare Variable of Residents of Urban and Rural Areas

شهری - روستایی	یو من ویتنی	ویلکاکسون	Z	سطح معناداری	تفسیر
Urban-Rural	U Man-Whitney	Wilcoxon	Z	Sig.	Interpretation
۴۹۸۱/۵۴		۱۰۴۷/۳۲	۶/۴۱	۰/۰۰	معنادار

فرضیه ۹: به نظر می‌رسد وضعیت رفاه آرمانی ساکنان مناطق شهری و روستایی ازنا با هم تفاوت دارد.

برای آزمون این فرض از تست t دو نمونه مستقل (آزمون t با دو نمونه مستقل، میانگین دو گروه از پاسخگویان را با یکدیگر مقایسه می‌کند) استفاده گردیده است بر این اساس باید فرض زیر را آزمون کنیم: نتایج آزمون $T.TEST$ نشان می‌دهد میزان $T.TEST$ رفاه آرمانی ساکنان مناطق شهری و روستایی ازنا ۶۵/۶۹ که با سطح معنی‌داری ۰/۰۰ می‌باشد (در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵) فرض H_1 تحقیق پذیرش و فرض H_0 مورد رد قرار می‌گیرد. بر اساس مقادیر به‌دست آمده در محاسبات جدول ۱۱ چون مقدار سطح معنی‌داری بدست آمده ۰/۰۰ از ۰/۰۵ کوچک‌تر می‌باشد؛ بنابراین رفاه آرمانی ساکنان مناطق شهری و روستایی تفاوت معناداری وجود دارد. پس نتیجه می‌گیریم این فرضیه معنادار است ولی توزیع نرمالی نیست $(Sig.(P) < \alpha(0.05))$.

جدول ۱۱: جدول آنالیز متغیر رفاه آرمانی ساکنان مناطق شهری و روستایی

Table 11: Analysis Table of the Ideal Welfare Variable of Residents of Urban and Rural Areas

شهری - روستایی	یو من ویتنی	ویلکاکسون	Z	سطح معناداری	تفسیر
Urban-Rural	U Man-Whitney	Wilcoxon	Z	Sig.	Interpretation
۵۵۹۵/۵۰		۱۱۷۰۰/۵۰	۵/۹۵	۰/۰۰	معنادار

بحث و نتیجه‌گیری

رفاه واقعی به رفاه مادی یا کیفیت زندگی افراد از نظر نیازهای اساسی خود مانند غذا، سرپناه، لباس، مراقبت‌های بهداشتی، آموزش و فرصت‌های شغلی اشاره دارد که توسط عواملی مانند نرخ فقر، دسترسی به منابع، بهداشت، آموزش، امید به زندگی، میزان سواد، سطح درآمد، GDP و نرخ اشتغال اندازه‌گیری می‌شود. از طرف دیگر، رفاه ایده‌آل شامل طیف

وسیع‌تری از تمامی جنبه‌های وجود فرد از جمله رفاه ذهنی، عاطفی، معنوی و اجتماعی است که توسط عواملی مانند خود عمل، هدف، خلاقیت، معنویت و ارتباطات اجتماعی تعیین می‌شود. در حالی که رفاه واقعی برای بقای فیزیکی ضروری است، رفاه ایده‌آل به رفاه و رضایت کلی در زندگی کمک می‌کند. به عبارت دیگر، رفاه ایده‌آل شامل زندگی معنی‌دار است که با ارزش‌ها و باورهای فرد، داشتن روابط قوی و احساس تعلق در جامعه خود مطابقت دارد. تعادل بین رفاه واقعی و رفاه آرمانی برای پیشرفت واقعی و توسعه افراد و جوامع به طور کلی ضروری است. بر این اساس هدف اصلی پژوهش حاضر، مطالعه مقایسه‌ای وضعیت واقعی و آرمانی رفاه اجتماعی روستاییان و شهرنشینان شهرستان ازنا بود.

نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که تأثیرگذاری وضعیت تأهل، میزان تحصیلات، نگرش به سیاست رفاهی ایده‌آل، مصرف فرهنگی و رسانه‌ای، میزان دین‌داری، گروه‌های سنی و نوع اشتغال بر رفاه واقعی در مقایسه با رفاه آرمانی متفاوت است؛ همچنین رفاه واقعی و آرمانی ساکنان مناطق شهری و روستایی شهرستان ازنا از هم متفاوت است. این نتایج با مطالعات پیشین تا حدودی هم‌راستا می‌باشد. به عنوان نمونه کاوه و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهش خود نشان دادند سطح رفاه ذهنی یا آرمانی حاشیه‌نشینان مشهد کمتر از ساکنان این کلان‌شهر است. نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از آن است که تحصیلات، میزان باورهای مذهبی، جنسیت و تأهل از عوامل مهم و اثرگذار بر رفاه آرمانی هستند. در پژوهش‌های انجام شده بوسیله ذکایی و مروتی (۱۳۹۸)، صفری شالی و مهدی‌زاده اردکانی (۱۳۹۶)، آجی (۲۰۲۱) و کیم (۲۰۰۳)، نیز بین متغیر دینداری و نهادهای مذهبی با میزان انطباق رفاه واقعی و آرمانی و به طور کلی رفاه اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. عباسی راینی و همکاران (۱۳۹۷)، نیز در پژوهش خود نشان دادند که تفاوت‌های جنسیتی از عوامل مختلف تأثیرگذار بر رفاه اجتماعی هستند. در نهایت چان (۲۰۱۵)، نیز در پژوهش خود نشان داد مصرف رسانه‌ای از جمله ارتباط صوتی و آنلاین با تلفن همراه به طور مثبتی با شاخص‌های مختلف رفاه آرمانی یا ذهنی رابطه معنادار وجود دارد.

همچنین نتایج پژوهش بر مبنای چارچوب نظری نیز قابل تفسیر می‌باشد. به گفته مازلو، رفاه واقعی یا رفاه ایده‌آل زمانی به دست می‌آید که فرد به خودشکوفایی برسد که بالاترین سطح سلسله مراتب نیازهای او است. این بدان معنی است که یک فرد تمام نیازهای اساسی فیزیولوژیکی، ایمنی، عشق و عزت نفس خود را برآورده کرده و اکنون بر دستیابی به رشد شخصی و تحقق پتانسیل کامل خود تمرکز دارد. در این مرحله، آن‌ها قادر به رسیدن به کامل‌ترین پتانسیل خود و زندگی معنی‌دار هستند. این مهم در صورتی قابل تحقق است که

بین مناطق شهری و روستایی شکافی به لحاظ دسترسی به امکانات و شرایط واقعی و آرمانی زندگی وجود نداشته باشد. بر اساس نظریه بورديو می‌توان استدلال کرد رفاه اجتماعی در میدان (زمینه) که در اختیار شهروند قرار دارد تغییر می‌کند. در میدان انتسابی که خارج از اختیار فرد هستند و از خانواده یا موقعیت اجتماعی و فردی به میراث می‌رسند متغیرهایی چون جنسیت، ویژگی‌های خانواده، سن، گروه‌های سنی و ... تأثیرگذار هستند اما میدان اکتسابی با فعالیت‌های خود فرد شکل می‌گیرد. منطقه زندگی و سرمایه اقتصادی از میدان اکتسابی فرد است. از منظر دیگر میدان مهم تأثیرگذار بر رفاه آرمانی و واقعی شهروندان را می‌توان به دو دسته دولتی و فرادولتی تقسیم‌بندی نمود. از دیدگاه بورديو بخشی از میدان در اختیار فرد به سیاست‌گذاری‌های رفاهی دولت مربوط می‌شود که میدانی را شکل داده است که در آن رفاه فرد بهبود یافته است و یا به عکس رفاه او تنزل یافته است. بخشی دیگر از میدان، خارج از حیطه و حوزه دولت قرار دارند. مهم‌ترین این میدان به رسانه‌های غیر دولتی و حتی خارج از کنترل دولت مانند فضای مجازی و کانال‌های ماهواره‌ای مربوط می‌شوند. از طرف دیگر چون میدان در اختیار ساکنان مناطق روستایی و شهری با همدیگر متفاوت است می‌توان استنتاج نمود که رفاه واقعی و آرمانی آن‌ها نیز از همدیگر متفاوت باشد. به عبارت دیگر میدان مختلف می‌توانند وضعیت رفاه واقعی و آرمانی افراد را تسهیل کنند.

پیشنهادهای پژوهش

- با توجه به نتایج حاصل از پژوهش می‌توان پیشنهادهای زیر را ارائه کرد:
- با توجه به این که وضعیت تأهل در وضعیت رفاه واقعی و آرمانی ساکنان مناطق روستایی و شهری تأثیرگذار است مسئولین باید در زمینه امکانات رفاهی ساکنان روستایی سیاست‌هایی اتخاذ کنند تا تبعیض و نابرابری در توزیع امکانات رفاهی برای افراد متأهلی که تشکیل خانواده داده‌اند به حداقل ممکن برسد.
- میزان تحصیلات از دیگر متغیرهایی است که بر وضعیت رفاه واقعی و آرمانی ساکنان مناطق روستایی و شهری تأثیرگذار است. به عبارت دیگر افرادی که دارای تحصیلات بالاتری هستند با مقایسه وضعیت رفاه واقعی و آرمانی خود در مناطق روستایی و شهری نوعی احساس محرومیت نسبی دارند. کاهش شکاف بین این دو وضعیت از جمله مسائلی است که باید مورد توجه مسئولین و برنامه‌ریزان امور شهری و روستایی قرار گیرد.
- نگرش به سیاست رفاهی ایده‌آل نیز از جمله متغیرهایی است که رابطه معناداری با رفاه اجتماعی افراد دارد. در این زمینه نیز مسئولین و نهادهای حاکمیتی باید سیاست‌هایی

اتخاذ کنند که در آن تأمین و بهبود رفاه عمومی مد نظر باشد. در این زمینه نظام اقتصادی دولت باید به همه کسانی که به هر دلیلی توان تأمین هزینه‌های خود را ندارند، یاری‌رسانی می‌کند. این کار باید از طریق پرداخت مستمری یا کمک‌های نقدی دیگر انجام شود.

- در زمینه مصرف فرهنگی و رسانه‌ای نیز نهادهای فرهنگی باید سیاست‌هایی اتخاذ کنند که افراد به آسانی بتوانند به کالاهای فرهنگی که خود در ایجاد و ساخت آن‌ها نقش اساسی دارند دسترسی منصفانه داشته باشند.

- دینداری نیز از متغیرهایی است که رابطه معناداری با رفاه واقعی و آرمانی افراد دارد. سازمان تبلیغات اسلامی در کنار دیگر نهادهای فرهنگی که در زمینه باورهای دینی و مذهبی افراد جامعه فعالیت دارند باید در زمینه تبلیغات دینی سطح امکانات رفاهی جامعه را در نظر گیرند و ترویج و تبلیغ سبک زندگی اسلامی را در رأس برنامه‌های خود قرار دهند.

References:

- Abbasi-Raini, R.; Karimpour, Behnaz; Khodai, M. (2018). "Factors affecting health and social well-being in today's society", *Applied Studies in Social Sciences and Sociology*, 2(1), 49-56. (Persian).
- Abdoli, F. (2014). "The Effectiveness of Happiness Training Using Fordyce Cognitive Behavioral Method Based on Optimism and Quality of Life of Women with Cancer", Master's Thesis in Psychology, Islamic Azad University of Kermanshah. (Persian).
- Adji, H. (2021). "The role of religious institutions in promoting social welfare in Indonesia", *Jurnal Mozaik Humaniora*, 21(2), 169-177.
- Alkire, S. (2002). "Dimensions of human development", *World development*, 30(2), 181-205.
- Balducci, A., & Checchi, D. (2009). "Happiness and quality of city life: The case of Milan, the richest Italian city", *International Planning Studies*, 14(1), 25-64.
- Ballas, D. (2013). "What makes a happy city?", *Cities*, 32, 39-50.
- Bartels, M. & Boomsma, D. I. (2009). "Born to be happy? the etiology of subjective well-being", *Behavior genetics*, 39, 605-615.
- Brehm, J. M. (2003). *Amenity migration and social change: Expanding the concept of community attachment and its relationship to dimensions of well-being in the rural West*. Utah State University.
- Chan, M. (2015). "Mobile phones and the good life: Examining the relationships among mobile use", social capital and subjective well-being. *New Media & Society*, 17(1), 96-113.
- Diener, E., Tay, L., & Oishi, S. (2013). "Rising income and the subjective well-being of nations", *Journal of personality and social psychology*, 104(2), 267.
- Dolan, P., Peasgood, T., & White, M. (2008). "Do we really know what makes us happy? A review of the economic literature on the factors associated with subjective well-being", *Journal of economic psychology*, 29(1), 94-122.
- Easterlin, R. A. (2005). "Building a better theory of well-being", *Economics and happiness: Framing the analysis*, 29-64.

Fitzpatrick, T. (2001). "Making welfare for future generations", *Social Policy & Administration*, 35(5), 506-520.

Ibem, E. O. & Amole, D. (2013). "Subjective life satisfaction in public housing in urban areas of Ogun State", *Nigeria. Cities*, 35, 51-61.

Kaveh, S.; Asari Arani, A.; Faraji Dizji, S.; Hosseini, S. H. (2019). "Comparison of Mental Well-being of Residents of the Inner and Peripheral Areas of Mashhad Metropolitan Area and Factors Affecting It", *Social Health*, 8(3), 399-412. (Persian).

Kenrick, D. T., Griskevicius, V., Neuberg, S. L., & Schaller, M. (2010). "Renovating the pyramid of needs: Contemporary extensions built upon ancient foundations", *Perspectives on psychological science*, 5(3), 292-314.

Kim, A. E. (2003). "Religious influences on personal and societal well-being", *social indicators research*, 62, 149-170.

Leyali, M. A. (2013). *From the Current State to the Desired State. Questionnaire. No. 128 and 129.* (Persian).

Leyden, K. M., Goldberg, A., & Michelbach, P. (2011). "Understanding the pursuit of happiness in ten major cities", *Urban affairs review*, 47(6), 861-888.

Makarou, D. (2019). *Social Welfare (Structure and Function)*, translated by Mohammad Taghi Joghatai and Farideh Hemmati, Tehran Publications: University of Welfare and Rehabilitation Sciences. (Persian).

Maslow, A. H. (2018). *Motivation and Personality*, Translated by Ahmad Rezvani. Tehran: Astan Quds Razavi.

Nes, R. B., & Roysamb, E. (2015). "The heritability of subjective well-being: Review and meta-analysis", *The genetics of psychological well-being: The role of heritability and genetics in positive psychology*, 75-96.

Nikolaev, B. (2015). "Living with mom and dad and loving it ... or Are you?", *Journal of Economic Psychology*, 51, 199-209.

Pleeging, E., Burger, M., & van Exel, J. (2021). "The relations between hope and subjective well-being: A literature overview and empirical analysis", *Applied Research in Quality of Life*, 16, 1019-1041.

Powdthavee, N. (2010). "How much does money really matter? Estimating the causal effects of income on happiness", *Empirical economics*, 39, 77-92.

Radcliff, B., & Shufeldt, G. (2016). "Direct democracy and subjective well-being: The initiative and life satisfaction in the American states", *Social Indicators Research*, 128, 1405-1423.

Ramsey, D., & Smit, B. (2002). "Rural community well-being: models and application to changes in the tobacco-belt in Ontario", *Canada, Geoforum*, 33(3), 367-384.

Ritzer, G. (1994). *Sociological theories*, Translated by Ahmadreza Gharavizad. Tehran: Jihad Daneshgahi. (Persian).

Robbins, S. P. (1993). *Organizational behavior: Concepts, controversies, and applications*, prentice hall.

Safari Shali, R.; Mehdizadeh Ardakani, M. (2017). "Investigating the degree of feeling of enjoying social well-being and the factors affecting it (a study among citizens of Ardakan city)", *Welfare and Social Development Planning*, 8(30), 177-224. (Persian).

Tay, L., & Diener, E. (2011). "Needs and subjective well-being around the world", *Journal of personality and social psychology*, 101(2), 354.

Veenhoven, R. (1984). *Conditions of happiness: (Factoren van invloed op het geluk)*, (Doctoral dissertation).

Veenhoven, R. (2015). "Social conditions for human happiness: A review of research", *International Journal of Psychology*, 50(5), 379-391.

Veenhoven, R., & Vergunst, F. (2014). "The Easterlin illusion: Economic growth does go with greater happiness", *International Journal of Happiness and Development*, 1(4), 311-343.

Voukelatou, V., Gabrielli, L., Miliou, I., Cresci, S., Sharma, R., Tesconi, M., & Pappalardo, L. (2021). "Measuring objective and subjective well-being: dimensions and data sources", *International Journal of Data Science and Analytics*, 11, 279-309.

Wu, M. S. (2023). "The effects of facebook use on network social capital and subjective well-being: A generational cohort analysis from the Taiwan social change survey", *Heliyon*, 9(4).

Zakaei, M. S.; Morovati, N. (2019). "Investigating the degree of conformity of subjective well-being with objective well-being and

the effect of social factors affecting it (with emphasis on examining the effect of religiosity, ethnic status and sense of freedom variables) Case study: citizens of Kurdistan and Semnan provinces”, Welfare and Social Development Planning, 10(38), 121-177. (Persian).

A Comparative Study of the Actual and Ideal State of Social Welfare between Rural and Urban Dwellers (Case Study of Azna City)

Kobra Shahrisvand¹, Mohammad Hossein Asadi Davoudabadi (Ph.D)²
Omid Ali Ahmadi (Ph.D)³, Ali Roshanaei (Ph.D)⁴

DOI: 10.22055/QJSD.2025.45136.2880

Abstract:

The purpose of this research is to study the real and ideal social well-being of rural and urban residents of Azna city, which was conducted by survey method. The statistical population of this research includes all the citizens of Azna city, which according to the census of 2015 was equal to 71586 people. The sample size was 384 people who were selected by stratified random sampling method. The results of the research show that the real well-being of the residents of urban and rural areas is different. In this regard, age groups ($\text{Beta}=0.387$) are higher for real well-being compared to its value for ideal well-being ($\text{Beta}=0.431$). Also, this result for marital status is equal to ($\text{Beta}=0.325$) and ($\text{Beta}=0.389$); for welfare policies equal to ($\text{Beta}=0.373$) and ($\text{Beta}=0.373$); for cultural and media consumption equal to ($\text{Beta}=0.404$) and ($\text{Beta}=0.539$); For religiosity it is equal to ($\text{Beta}=0.243$) and ($\text{Beta}=0.393$). It is concluded that the real and ideal well-being of urban and rural residents are different. In this sense, the real and ideal well-being for rural residents is lower than the level of well-being in urban environments in both the real and ideal dimensions; this situation can be caused by the low level of expectations of villagers compared to urban residents.

Key Concepts: Social Welfare, Ideal Welfare, Real Welfare, Azna City

¹ PhD Student in Sociology of Economics and Development, Ashtian Branch, Islamic Azad University, Ashtian, Iran, shahhadis589@gmail.com

² Assistant Professor, Department of Sociology, Ashtian Branch, Islamic Azad University, Ashtian, Iran (Corresponding Author), assadi2001ir@yahoo.com

³ Assistant Professor, Department of Sociology, Ashtian Branch, Islamic Azad University, Ashtian, Iran, omidaliahmadi@aiau.ac.ir

⁴ Assistant Professor, Department of Sociology, Ashtian Branch, Islamic Azad University, Ashtian, Iran, roshanaei@aiau.ac.ir

